

انڈیشکده
روابط بين الملل



امنیت ملی از دیدگاه مکاتب گوناگون روابط بین الملل

احسان اعلائی پور

امنیت ملی از دیدگاه مکاتب گوناگون روابط بین الملل

امنیت ملی از دیدگاه واقع گرایان و آرمان گرایان

احسان اعلائی پور

اندیشکده روابط بین الملل _ برداشتهای اندیشمندان در حوزه امنیت تا اواخر قرن بیستم متأثر از دو طرز تفکر، یعنی واقع گرایی و آرمان گرایی بود.

آرمان گرایان معتقد بودند که با برچیدن جنگ می توان به پیشرفت در دنیا رسید، درحالیکه واقع گرایان بر وضعیت و حالت دنیا متمرکز بودند.

آرمان گرایان مایل بودند که امنیت را حاصل صلح بدانند، بدین معنی که صلح پایدار باعث تامین امنیت همه خواهد شد و در دیدگاه آنان جنگ مهم ترین تهدید ناشی از مسئله امنیت ملی بود، و از این رو بود که سیاستهایی مانند خلع سلاح، کنترل تسلیحات و همکاریهای بین المللی را مطرح نمودند.

در مقابل واقع گرایی مانند مورگنتا و کار معتقد بودند که قدرت و منافع ملی مبنای اصلی و حاکم بر روابط کشورها را تشکیل می دهد. همچنین شرایط بین المللی همراه با رقابتهای و نزاع ها نیز زمینه واقع گرایی را فراهم ساخت و آرمان گرایان را که بی توجه به زمان و هدف، قصد رسیدن به اهداف را داشتند مسئول به هم ریختن صلح می دیدند.

به زعم واقع گرایی مانند مورگنتا، بول و والتز دولتها تنها بازیگران عرصه جهانی هستند که در پی منافع ملی می باشند از این رو امنیت ملی نیز در ارتباط مستقیم با قدرت این بازیگران قرار دارد.

در مقابل، آرمان گرایی همچون رابرت کوهن، نای و بورتن بر این عقیده اند که قوام حیات بین المللی بر پایه صلح می باشد. از این رو موضوع اصلی امنیت ملی با تحصیل رضایت عامه از طریق برآورد شدن نیازهای مختلف و دموکراتیزه شدن نظام بین الملل ممکن است.

"واقع گرایان جستجوی امنیت را در سایه کسب قدرت دانسته و در واقع معتقدند که برای دستیابی به امنیت باید قدرت را آنچنان افزود تا تهدیدات مقابل، قادر به ایجاد نا امنی نگردند. آرمان گرایان نیز برای جستجوی امنیت در پناه صلح به نظریه سازی هایی برای قدرتمند شدن مجامع بین المللی پرداخته اند."^۱

از نظر واقع گرایان قدرت امری ضروری برای تامین منافع دولتها تلقی می شود و به عبارتی از دیدگاه آنان امنیت به عنوان یکی از مشتقات قدرت تلقی می گردد.

واقع گرایان آینده جهان را به دلیل افزایش بازیگران، پر از درگیری و کشمکش پیش بینی می کنند و معتقدند که هرج و مرج ویژگی محیط بین المللی است.

بطور کلی می توان گفت از نظر واقع گرایان سیاست بین المللی بر مبنای یک کشمکش بر سر قدرت استوار است و در سایه قدرت است که امنیت بوجود می آید و قدرت به عنوان وسیله ای برای تامین و افزایش منافع دولتها و حفظ برتری آنها بسیار اساسی تلقی می شود، و جنگ در نظریات آنان ابزاری برای حفظ موازنه قدرت محسوب می شود.

این در حالی است که آرمان گرایان امنیت را حاصل صلح می دانند و معتقدند که در سایه صلح پایدار ما شاهد تامین امنیت خواهیم بود.

۶-۲- امنیت ملی از دیدگاه پوزیتیویسم ها

یکی دیگر از دیدگاههایی که در مورد امنیت ملی مورد بررسی است دیدگاه پوزیتیویسم ها در این مورد است که در این بخش به بررسی نظریات این دیدگاه در مورد امنیت ملی می پردازیم.

پوزیتیویسم ها یا اثبات گرایان معتقدند که دانش تنها از طریق تجربه و حس بدست می آید. حقایق و ایده های پیچیده در مورد دنیا از اختلاط نظرات ساده تر بدست آمده اند، پس به نوعی مسائل پیچیده، در نهایت می توانند به اجزای ساده تر که از طریق تجارب حسی کسب شده اند بازگشت نمایند.

^۱ مورتون برکویتز، پی سی، باک، امنیت ملی - فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره دوم، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، تابستان ۱۳۷۷.

"اسموک وهارمن می گویند: فقدان تصور گسترده از امکان وقوع صلح مهم ترین مانع در پیشرفت علمی و تحقق اهداف پست پوزیتیویستهاست"^۲

آنها معتقدند که اگر مردم بیشتری به امکان وجود صلح واقعی معتقد باشند احتمال برقراری صلح خود به خود بیشتر خواهد شد، زیرا در نظر آنها اعتقادات و ساختارهای اجتماعی به مراتب مهمتر از مسائل ژئوپلتیک هستند.

الکساندر وندت نیز معتقد است "که هیچ واقعیت مستقلی برای بی نظمی بین المللی وجود ندارد بلکه بی نظمی چیزی است که حکومتها آن را به وجود می آورند."^۳

پوزیتیویسم می پندارد که پدیده های امنیتی و بین المللی بر پایه های مادی استوار بوده و نیاز به تفاسیر مادی دارند. امنیت را عینی و قابل کشف و با روشهای عقلانی و با تجربه قابل تفسیر و تبیین می پندارند.

۷-۲- امنیت ملی از نظر سازه انگاران

سازه انگاران مسئله امنیت را صرفاً در چارچوب نظامی مردود می دانند و این تاکید نشان می دهد که برای سازه انگاران صرفاً امنیت نظامی و به بیان دیگر مصون بودن از تهدیدات خارجی ملاک نمی باشد بلکه در داخل اجتماع و در ابعاد و سطوح گسترده تری مد نظر قرار می گیرد.

و همچنین سازه انگاران تحصیل امنیت از طریق موازنه قوا و بازدارندگی را نامناسب می دانند، درحالیکه به مسئله اطمینان، اعتماد و همکاری برای تحصیل امنیت تاکید دارند و این رویکرد به تحصیل امنیت نیز ناشی از اعتقاد آنان به بستر اجتماعی امنیت می باشد.

ایمانول آدلر و مایکل بارنت، جزء متفکران سازه انگاری می باشند آنها نسبت به نقش اعتماد در محافل امنیتی نظر مشخص تری ارائه نموده اند.

^۲ علی ربیعی، مطالعات امنیت ملی، مقدمه ای بر نظریه های امنیت ملی در جهان سوم، پیشین، ص ۷۸

^۳ Alexander Wendt "social theory of International politics" Cambridge.uk.cambridge university press, 1999 p.p 92.138

آنها معتقدند "که اعتماد متقابل و هویت جمعی جزء شرایط ضروری در تغییرات صلح آمیز و شکل گیری اجتماع امنیتی است، از سویی آنها معتقدند قدرت، دانش، معاملات، سازمانها و یادگیری اجتماعی در ایجاد اعتماد متقابل مفید است."⁴

اما سوالاتی که در مورد نظریات سازه انگاران با نظریات دیگر بوجود می آید این است که این نظریات مسئله موازنه قدرت را چگونه تبیین می کند.

رنالیستها معتقدند که دولتها بوسیله قدرت متوازن می شوند و این درحالی است که نورنالیستها معتقدند که دولتها برضد تهدیدات متحد می شوند و به بیان دیگر آنها بر ضد قدرت تهدید کننده متوازن می شوند.

اما رنالیستها در اینکه دولتها چگونه می توانند قدرت دشمن را تخمین بزنند توانا هستند اما تئوری آنها نحوه درک دولتها از نیت خصمانه در مقابل نیت دوستانه رانشان نمی دهد، ولی سازه انگاران در این مورد مفهوم هویت را مطرح می کنند و معتقدند که هویت با فراهم آوردن معانی مشترک باعث کاهش تردیدها می گردد و به کشورها در جهت شناخت دشمنان خود یاری می رساند، و این باعث ایجاد امنیت می گردد.

⁴ Emanuel Adler and Michael Barnett "studying security communication in theory comparison and History, In security community, ed Adler and Barentt cambridge Cambridge university press, 1988, p.416

برای تهیه محصولات به فروشگاه اندیشکده مراجعه کنید

www.irthink.com



تلفن مرکز یخش: ۰۹۱۲۵۶۴۵۴۶۳

پست الکترونیکی: irtt.ir@gmail.com

www.irthink.com

